

جمهوری اسلامی هر روز منزوی تر میشود

در چند هفته پیش کمیته حقوق اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد معروف به کمیته سوم با ۸۰ رای موافق، ۴۸ رای مخالف و ۵۷ رای ممتنع وضعیت حقوق بشر در ایران را غیر قابل تحمل اعلام کرد و هر چند هیئت اعزامی دولت ایران کوشش کرد به جهانیان بگوید ما تابع حقوق اجتماعی و فرهنگی ویژه خود هستیم اکثر نمایندگان کشورها آنرا نپذیرفتند و رای به انزوای دولت ایران دادند.

مورد دیگر در هفته پیش تلاش دولت ایران برای کسب یک کرسی در هیئت اجرایی سازمان زنان سازمان ملل شکست خورد و به کشور کوچک تیمور شرقی با ۸ سال تاریخ (در سال ۲۰۰۲ مستقل شده است) کرسی مذکور را دادند و ایران رای کافی بدست نیاورد. علت رای نیاوردن عدم رعایت و ارجح به حقوق بشر و قوانین بین المللی گفته شد و مورد دیگری سازمان فرهنگی یونسکو وابسته به سازمان ملل متحد بعلت عدم رعایت حقوق بشر در ایران از برگزاری روز جهانی فلسفه در ایران خودداری کرد.

گفته شد که در ایران از دبستان تا مراکز آموزش عالی راه اندیشه و تفکر آزاد بسته است و نمی توان درباره مفروضات و مقبولات، مشهورات و مسلمات سؤال هایی طرح کرد و پیگیری نمود و در حکومت های ایدئولوژیک متفکران می توانند بیاندهشند و حق بیان آن را ندارند. برگزاری روز فلسفه از سوی مراجع جهانی اعتباری برای دولت ایران بود که بعلت عدم رعایت حقوق بشر لغو شد.

و بسیار از موارد دیگر که ماجرای توقیف کشتی حامل سلاحهای جنگی در نیجریه نیز یکی از آنهاست و قطع رابطه کشور کوچک آفریقایی گامبیا که یک طرفه با ایران قطع رابطه می کند این بار نه برای حقوق بشر بلکه برای رهایی از اتهامی که ممکن بود در جریان حمل و نقل سلاحهای نظامی که خلاف تصمیم شورای امنیت است فشاری بر این کشور وارد گردد.

ملاحظه میشود که عدم آزادیهای سیاسی و اجتماعی به نارضایتی های داخلی دامن زده و این نارضایتی ها از این کشور چهره ای نامطلوب در جهان عرضه داشته است. موضعگیری های بدور از خرد جمعی و بدور از روابط احترام آمیز بین کشورها دولت ایران را هر روز منزوی تر می کند.

سیاست داخلی و سیاست خارجی تفکیک ناپذیرند و به کژ راه رفتن در یکی انحراف و عدم موفقیت در دیگری را بدنبال دارد. سالهاست که پس از جنگهای اول و دوم جهانی دولت ها تلاش کرده اند تا در روابط بین الملل مقرراتی را مرعی دارند که در آن احترام متقابل و رعایت حقوق ملتها ملحوظ شده باشد و اعلامیه جهانی حقوق بشر با کلیتی که دارد یکی از ملاکهای تنظیم روابط بین الملل است. دولت ایران بدون رعایت ابتدائی ترین حقوق انسانی مردم ایران چون حق آزادی بیان، آزادی اجتماعات، آزادی مطبوعات و دیگر آزادیهای جهان شمول به قوانین بین المللی نیز اعتنایی نمیکند و مصوبات سازمان ملل متحد و شورای امنیت سازمان ملل را ورق پاره هایی بشمار می آورد که چون با شریعت مورد نظر حاکمیت مطابقت ندارد و هماهنگ نیست باید نادیده گرفته شود. ولی گاه کاندیدای عضویت کمیته ها و مجامعی میشود که اصول و هدفهایشان را نپذیرفته و تا کنون اجرا نکرده است. نمونه آنرا می توان در کمیته های حقوق بشر سازمان ملل و یا تلاش برای کسب یک کرسی در هیئت اجرایی سازمان زنان سازمان ملل متحد مشاهده نمود.

صاحبان قدرت در این تصورند که با گفتن سخنانی که فقط مصرف داخلی دارد مانند اینکه ایرانیان نخستین اقوامی بودند که به آزادی زنان و برابریشان با مردها ارج مینهادند و ایران از صدها سال پیش حقوق بشر را رعایت می کرده و نکاتی نظیر آن میتوانند در مجامع بین المللی راه یافته و به جهان بقبولانند که در هیچ جایی آزادی مانند ایران پیدا نمیشود! و ایران امروز مهد آزادی و آزاد اندیشی است و گاه اینقدر این گفته ها تکرار میشود که بر خودشان امر مشتبه میشود. اما وقتی سخن از نپذیرفتن ایران به سازمان های جهانی است، انزوای سی و دو ساله ایران خود مینماید و بیش از پیش هویدا میشود.

درست است که به نظر فردریک هگل فیلسوف شهیر آلمانی «اساس توسعه جوامع انسانی با تاریخ ایران آغاز میشود و این نقطه سرآغاز تاریخ جهان است» درست است که لوح های بدست آمده از تخت جمشید نشان میدهد کارگران برده نبوده اند، اما هیچکدام از این افتخارات کهن شرایط امروز ایران را توجیه نمیکند و بر انبوه زندانیان سیاسی عقیدتی ایران که با نقض حقوق بشر روانه زندان شده اند سرپوش نمیگذارد و نمونه آن را می توان در آراء صادره از سوی سازمانهای جهانی دید:

افتخار آمیزترین مدال ورزشکاران ایران دفاع از نام خلیج فارس و تمامیت ارضی ایران بود

موازین و مستندات رسمی تاریخی و بین المللی نام زیبا و صحیح «خلیج فارس» را در اعلان خودشان به صورت مجعول و ناشناخته و غلط به کار برده بودند، ورزشکاران زن و مرد ایرانی قاطعانه خواستار اصلاح آن شدند و اعلام کردند که در غیر این صورت در مسابقات شرکت نمی کنند و وقتی وارد مسابقات شدند که مسئولین چینی تادیب شده و با بکار بردن «خلیج فارس» خطای خود را برطرف کردند و این افتخار آمیزترین مدال جوانان ایران در کوانگ جوی چین بود. ورزشکاران ایرانی با این حرکت خود درسی هم به رئیس جمهور کشورشان دادند که دیگر زیر تابلو «خلیج عربی» ننشینند. ضمناً باید یادآوری نمود که گویا گردانندگان سایت نیروی دریائی آمریکا هم از درک این واقعیت زنده و ملموس عاجز بوده و با ساختن نام مجعول برای خلیج فارس به کج راه چینی ها افتاده اند گرچه بعداً شنیده شد که آنها هم به اشتباه خود پی برده و فهمیده اند که «خلیج فارس» فقط «خلیج فارس» است.

به رغم ناهماهنگی ها و بی برنامگی های مشهود، تیم های متعدد ورزشکاران ایران با آمادگی و روحیه ای سرشار از سلحشوری مردمی و عرق ملی و هوشیاری نسبت به تمامیت ارضی و منافع ملی ایران در بازیها و مسابقات آسیائی شرکت کردند. حضور آنها در این دوره از مسابقات آسیائی که در «کوانگ جو» در کشور چین برگزار می شد بسیار جدی و توئم باسرافرازی و موفقیت بود. رقابت سخت و فشرده فرزندان ایران زمین در میان چینی ها و نمایندگان پرجمعیت ترین کشور های جهان که ورزشکاران پرتوانشان برای کسب بالاترین مدالها فراوان بود، اعجاب و تحسین همگان را برانگیخته است. به ویژه آنکه قهرمانان ما توانستند ۲۰ مدال طلا و در مجموع ۶۰ مدال در کشتی، کاراته، کنگفو، و شو، قایقرانی، دو، تیراندازی، والیبال و بسکتبال و..... کسب کنند. اما درخشش زنان شجاع و مردان دلیر ایرانی در شروع مسابقات آسیائی به مراتب افتخار آفرین تر از تعداد مدالهای آنها بود. در وضعیتی که چینی های تنگ نظر و خاطی از